

سه کلام جادویی

(عشق، شادی، آرامش)

مؤهل استانی اندرسن

شیار رزم آزما



سرشناسه	: آندرسن، یوئیل استانلی	Andersen, Uell Stanley
عنوان و نام پدیدآور:	: سه کلام جادویی / یوئیل استانلی آندرسن	
مشخصات نشر و نام مترجم:	: تهران، لیوسا. هوشیار رزم‌آزما	
مشخصات ظاهری	: ۳۴۴ ص.	
وضعیت فهرست‌نویسی	: براساس اطلاعات فیبا.	
عنوان اصلی	: Three magic words: the key to power, peace and plenty	
موضوع	: راه و رسم زندگی.	
ده‌بندی کنگره	: ۱۳۹۳	س ۹۷۶ الف / ۲ / ۵۸۸ BJ
رده‌بندی دیویی	: ۱۷۰ / ۴۴	
شماره کتابخانه ملی ایران	: ۳۲۸۲۱۹۴	



- ☐ نام کتاب: سه کلام جادویی (عشق، زندگی و راز)
- ☐ ناشر: لیوسا
- ☐ نویسنده: یوئیل استانلی آندرسن
- ☐ مترجم: هوشیار رزم‌آزما
- ☐ چاپ اول: ۱۳۹۳
- ☐ تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه
- ☐ چاپ: نیکاچاپ
- ☐ صحافی: منصوری
- ☐ قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان
- ☐ شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۳۴۰-۰۲۲-۱

ISBN 978-600-340-022-1

آدرس: خیابان انقلاب - بعد از خیابان وصال - جنب سینما سپیده - کوچه اسکو - پلاک ۱۰

تلفن: ۶۶۴۴۴۵۷۷ - ۶۶۴۴۶۹۵۹ - ۶۶۹۶۳۰۳۵

ساعات بایگ: ۳۰۰۰۲۴۰۰۴۲

www.nashreliusa.com
liusa@nashreliusa.com
www.dorsabook.com

سایت اینترنتی:
پست الکترونیکی:
فروش الکترونیکی:

فهرست مطالب

۷	بیشگفتار نویسنده
۱۱	فصل اول - سه کلام جادویی
۴۸	فصل دوم - خیال باطل و توهم
۸۶	فصل سوم - ذهن و ضمیر
۱۱۲	فصل چهارم - شکل و ساختار
۱۳۳	فصل پنجم - کشاکش شهود
۱۵۸	فصل ششم - آسان
۲۰۲	فصل هفتم - قدس، جناب
۲۳۹	فصل هشتم - عشق
۲۶۹	فصل نهم - موفقیت
۳۰۱	فصل دهم - سلامتی و تندرستی
۳۲۷	فصل یازدهم - جاودانگی

پیشگفتار نویسنده

زمانه بی‌شمای و عصر آشفته‌گی و پریشانی و ازهم‌گسیختگی عواطف و احساسات، زلزلات و سستی و ناپایداری عصبی و روح و روان است. هنگامی که انسان در این برهه خاص از فراز انبوه موفقیت‌های مادی شگرفی کسب کرده، به جهان و کائنات می‌نگرد؛ باز هم در قیاس با اختران و سیارات دهکشان‌ها به بی‌ارزشی خود پی می‌برد و در سنجه‌ای که با قدرت اتم انعام می‌دهد، از ضعف و حقارت و بی‌مقداری خویش، آگاه می‌گردد. بی‌ارزشی و بی‌بهره‌گی بشر تمام نیروها و دانش خود را برای مهار و تسلط عناصر طبیعت و انرژی‌های آن به کار گرفته؛ تازه دریافته است تا چه اندازه از مقصد و اتمام‌اصال دور گشته و به کژراهه غلتیده و آرامش خیال و امنیت خاطر خود را نیز از دست داده و در نهایت به این نتیجه رسیده است که هیچ آرامش‌بخشی و خیالی در هیچ ماشین، نیروی الکتریسیته، الکترونیک و نیروی اتم وجود ندارد.

آنگاه این پرسش‌ها را با خود در میان می‌گذارد: **من کی هستم؟** ریشه‌ام از کجاست و چرا در اینجا هستم؟ به کجا می‌روم؟ پرسش‌هایی که روح و روان وی را به خود مشغول می‌دارد و پاسخ می‌طلبد؛ که

بازتاب‌ها و پژواک‌های آنها را می‌توان در مطب روان‌پزشکان، اندرزگاه‌های جزایی و کیفری و تیمارستان‌ها و توانبخشی‌های جسمی و عصبی و روحی و مراکز درمانی عقب‌افتادگان و بالأخره زندان‌ها و کنام تبه‌کاران و دخمه مجرمان پیدا کرد؛ و یا ضجه و فریاد و ناله‌های جگرخراشی را در میدان‌های جنگ‌های خونین و همچنین در زیر سقف کانون‌های متلاشی شده خانواده‌ها و در هر روستای سوخته و ویران شده و شهرهای غارت شده بجا مانده از آتش جنگ‌های جهانی و شنید و انبوه مردم فلک‌زده‌ای را دید که پیوند خود را با خدای خوب و گسسته انگاشته‌اند زیرا دیگر هیچ امیدی از آسمان و کرامات آن نداشته‌اند.

لیکن هر قدر آدمی از بهر آن زاده نشده که همانند تیره‌هائی از حیوانات مریض بده که در برهه‌ای از تاریخ زندگی در طوفان و تندبادهای بنیان‌کن زندگی هستند و سپس از صحنه روزگار محو و ناپدید گردیدند. هر واقعه‌ای رخدادی که روی می‌دهد، مولود علت و سببی است که عامل اصلی آن انسان است. انسانی که برهنه مادرزاد پای به این جهان می‌گذارد؛ با تمام تلاشی که عمل می‌آورد می‌کوشد تا عناصر و نیروهای طبیعت را مهار کند و برایشان مالش و پیکار بر آن می‌شود تا ثروت‌های مادی و مال و منال خود را غنی‌تر سازد، لیکن در این تکاپو به این نکته پی می‌برد که تمام این تلاش‌ها در واقع نوعی سرگرمی و تقننی بیش نبوده است و در پایان کار، به همان‌گونه که به این دنیا آمده است، همه چیز را باید بگذارد و لخت و عریان بازگردد و در این گیرودار تنها و مهم‌ترین موضوعی که می‌تواند زندگیش را رنگ و جلایی دیگر بدهد، کشف قلمرو روح و روانش می‌باشد و بس. چه‌بسا در این کشاکش و تنش به این نکته پی می‌برد که انسان فقط از گوشت و پوست ساخته نشده و هیچ فردی نبایستی خود را موجودی خارق‌العاده و

بی‌همتا و مخلوقی بی‌مانند بشمارد که بشری همچون او آفریده نشده است. بلکه مخلوقی است که همه اندیشه است و هیچ گفتگویی هم ندارد. آدمی جوهره عظمت و قدرت بی‌مثال هوش بیکرانی است که جهان و کائنات هستی را هدایت و رهبری می‌کند و او نیز در چنین هوشی می‌زیهد و جزیی از آن و بسا تمام آن است. به قدر زندگی کوتاه‌اش، کوچک است ولی به قدر حیات روحی و معنویش بزرگ و نیرومند است؛ زیرا هوشی که از آن بی‌می‌آید، از هر چیز عظیم‌تر و نیرومندتر است و بزرگتر از تمام فضاها و توان‌ها و توان‌تر از هر نیرویی است که سیارات و کرات را در گردش بر عظیم‌ترین هدهد و ثابت نگاه می‌دارد. هوشی که هر انسان به قدر کفایت خود است به بهره می‌برد و می‌تواند آن را به کار گیرد، موهبتی خدایی است که حق هر انسان است؛ مگر اینکه خود، خویش را از آن محروم کرده باشد.

خواننده گرامی در صورتیکه پیش از به قدرت نامتناهی خود پی خواهد برد و به کارگیری آن را خواهد آموخت و زندگی خویش را، براساس آموزه‌هایش، آباد و پررونق و شاد و پیروز و شکوهمند خواهد ساخت و به زبان ساده‌تر، به‌خوبی زندگی خواهد کرد و از نیروی شگرف درون خویش آگاه خواهد شد. او خواهد یافت که در این جهان تنها یک گرداننده وجود دارد و آن فکر است. باری، وجود دارد که آفریدگاری است که ضمیر باطن جهانی و خرد جمعی را ساخته و شکل داده است. در این کتاب می‌آموزد که آفریدگار هستی برای انسانان فکری آفریده تا به وسیله آن، هر چه می‌خواهد به دست آورد و نه تنها پاسخ مسائل و مشکلات خود را پیدا کند، بلکه با تجاربی که به دست می‌آورد، به آرزوها و خواسته‌های خود نیز برسد. همچنین با ایمان و باور و درست‌اندیشی، زندگی هدفمند و شادگونه‌ای را سپری نماید و امید و نوید حیات و هستی، جزو برنامه‌های روزمره او گردد و همان علت و دلیل

زیستن وی بشود و با قدرتی فزون‌تر زندگی شادتر و آرام‌تر و
پیروزمندانه‌تری را به سر آورد و عشق و امید و شور و سرور باطنی را
همواره در کانون وجود خود احساس کند.

www.ketab.ir